

محمدعلی رضایی اصفهانی

در آمد:

تنها راه دستیابی به وحی الهی و کلام حق، به اقتضای حدیث ثقلین، قرآن و سنت است. ما از طریق حدیث، به سنت عملی و قولی و تقریر پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) دست می یابیم و از همین جاست که جایگاه حدیث صحیح و اهمیّت آن، بیش از پیش روشن می شود و لذا امام باقر (ع) به جابر فرمود:

یا جابر والله لحدیث تصیبه من صادق فی حلال و حرام خیر لک ممّا طلعت علیه الشمس حتی تغرب. ۱

ای جابر به خدا قسم اگر حدیثی از شخص صادقی در مورد حلال و حرام به تو برسد، از آنچه آفت اب بر آن می تابد برایت بهتر است.

اما در طول تاریخ معارف بشری و در بستر تاریخ ادیان الهی، همیشه مردمانی دروغ ساز و دجال صفت بوده اند که حقایق الهی و علمی را به سخریه می گرفتند و با اهداف گوناگون و در اثر عوامل مختلف (مثل: تعصبات مذهبی، انحرافات عقیدتی، خدمت به حاکم ستمگر، کسب مال یا مقام، غلو در مذهب و عقاید، بزرگ کردن خود و یا تأثیر عناصر یهودی و مسیحی ۲) دست به تحریف حقایق، جعل احادیث و دروغگویی می زدند.

پیشینه تحقیق

یک. پیدایش جدی پدیده جعل و کذب در احادیث، به عصر ائمه (ع) - بویژه زمان امام صادق (ع) و امام رضا (ع) - بر می گردد.

ائمه اطهار (ع) با قاطعیّت و شدت با این پدیده - که بلای حدیث محسوب می شد - برخورد کردند و حتی در مواردی، از این دروغ سازان نام می بردند و آنها را لعنت می کردند (مثل «مغیره» و «ابوالخطاب» که در این نوشتار به آنها اشاره خواهیم کرد) و همین مطلب موجب شد که این بیماری، در شیعه رشد چندانی پیدا نکند.

دو. کسانی که کتابهای رجال نوشته اند، به صورت پراکنده به این مطلب پرداخته اند. برای مثال، نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق) در رجال خود، در موارد متعدّد به جااعلان و دروغگویان اشاره می کند. سایر کتب رجالی نیز تا عصر حاضر (و در

بهترین شکل، معجم الرجال مرحوم آیه الله خویی) به این مطلب پرداخته اند؛ اگر چه کمتر بحث مستقل یا کتاب مستقلی به این موضوع، اختصاص یافته است.

سه. کتابهایی که در عامه و خاصه به صورت کلی یا جزئی به این مطلب پرداخته اند، عبارتند از:

۱ - الموضوعات ابن جوزی (متوفای ۵۹۷ق) که مطالب آن از کتاب الأباطیل جورکانی اخذ شده است.

۲ - اللآلی المصنوعة، از سیوطی، که پیرامون کتاب ابن جوزی است.

۳ - تذكرة الموضوعات و قانون الموضوعات، از محمد بن طاهر مقدسی هندی ملقب به قتنی (م ۹۷۶ق).

۴ - اللؤلؤ المرصوع، از ابوالمحاسن قاقچی.

۵ - الموضوعات صنعانی.

۶ - الموضوعات الكبير، از ملا علی قاری.

۷ - الموضوعات الصغرى، از همان نویسنده.

ص: 1

۸ - أضواء على السنة المحمدية، از محمود ابوریة، که در بخشی از کتاب به موضوع جعل پرداخته است.

۹ - شیخ المضیره، از همان نویسنده، که در بخشی از کتاب به موضوع جعل پرداخته است.

۱۰ - علم الحديث، از کاظم مدیر شانه چی، که در بخشی از کتاب به موضوع جعل پرداخته است.

۱۱ - مقباس الهدایة، از علامه مامقانی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۱ق) با تلخیص استاد علی اکبر غفاری.

البته در این میان، عامه (اهل سنت) بیشترین کتابها را نوشته اند؛ چرا که در طول تاریخ حدیث خود، بیشتر به بلای جعل گرفتار شده اند.

منابع عمده تحقیق

در این نوشتار، بیشتر از روش تحقیق کتابخانه ای (میدانی) و با استفاده از کتابهای رجال (یعنی شهادت دیگران بر کذب و جعل احادیث توسط افراد) استفاده شده است. از جمله مهمترین آن منابع عبارتند از:

رجال: نجاشی، معجم الرجال: آیه الله خویی، مقباس الهدایه: علامه مامقانی، علم الحدیث: کاظم مدیر شانه چی، بهجه الآمال فی شرح زبده المقال: علامه ملا علی علیاری تبریزی.

همچنین، از خلاصه الأقوال و رجال الکفّی و رجال الطّوسی و کتاب ابن غضائری، با واسطه نقل شده است.

موضوع تحقیق

دو محور اساسی در این نوشتار دنبال می شود:

الف . شناسایی راویانی که مطالب خلاف واقع (اعم از قول و فعل و تقریر) از پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) نقل کرده اند؛

ب . معرفی افرادی که مطالبی را ساخته و به صورت حدیث به آن بزرگواران نسبت داده اند.

ضرورت تحقیق

شناخت دروغ پردازان و متهمان به جعل و کذب و منحرفان از صراط حق، آثار و فواید بسیاری دارد که برخی از آنها عبارتند از:

الف . پالایش احادیث حق از احادیث دروغین؛

ب . شناخت دروغگویان در سلسله اسناد احادیث و ردّ سخنان آنان؛

پ . جلوگیری از انحراف مردم و خطای علما، با معرفی دروغگویان و احادیث جعلی آنان؛

ت . عبرت گرفتن تماشاگران و ایجاد ترس در دل افراد سهل انگار و دروغ دوست و در نتیجه، جلوگیری از جعل دروغ در آینده؛

ث . شناخت بهتر قرآن به کمک طرح و نقد تفسیرهای نادرست دروغ پردازان؛

ج . آشکار شدن چهره نورانی و بی عیب ائمه اطهار (ع) با ردّ احادیث دروغین و غلو آمیز که در مورد آنان جعل شده است.

نگارنده، با توجه به آثار فوق، سعی دارد تا دروغ پردازان و جاعلان روایات را در کتابهای عامّه و خاصّه مع رفی کند. البته سعی ما بر آن است که تنها افرادی که کذاب یا جاعل بودن آنها محرز گردیده، یاد شوند و از ذکر افراد مشکوک پرهیز نموده ایم.

این بخش از نوشتار، درباره جاعلان و کذابان در روایان خاصّه است و ان شاء الله در مقالات آینده، به روایان عامّه خواهیم پرداخت. البته ممکن است فرد یا افرادی از قلم افتاده باشند و یا در موردی تأمل کافی درباره یک راوی صورت نگرفته باشد (و در نتیجه، قضاوت ناصحیحی شکل گرفته باشد)؛ لذا امید است با راهنمایی های منصفانه و دلسوزانه فرهیختگان امت، این نوشتار، کاملتر شود، تا به حال امت سودمندتر افتد.

اینک، متن:

۱ - أبان بن أبي عیاش، فیروز، أبواسماعیل البصری:

اتّهام: او متّهم است که کتاب «سلیم بن قیس» را جعل کرده است. ۳

دلیل:

الف . ابن غضائری(ره) در کتاب رجال خود می گوید:

او تابعی است که از انس بن مالک و امام سجّاد (ع) نقل حدیث می کند و او ضعیف است، و اصحاب ما «شیعیان» به او نسبت داده اند که کتاب «سلیم بن قیس» را جعل کرده است. ۴

ب . شیخ طوسی(ره) در رجال خود می گوید:

او تابعی (بصری) ضعیف است و از اصحاب امام سجّاد(ع) و امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شمرده می شود. ۵

۲ - احمد بن محمد بن سیار، ابو عبدالله السیّاری (البصری - الاصفهانی):

اتّهام: دروغگو و ضعیف، بلکه فاسد المذهب است؛ محرّف نه غالی ۶ و مجفّو الروایه است و روایات مرسل زیادی را نقل کرده است ۷ و تناسخ را قبول داشته است. ۸

دلیل: کسانی او را تضعیف کرده اند:

شیخ (ره) در رجال ۹ و استبصار ۱۰، ابن غضائری ۱۱، نجاشی در رجال ۱۲ و ابن ولید ۱۳ و شیخ صدوق (ره) و کشی ۱۴ و مامقانی در مقباس الهدایة ۱۵.

آیه الله خویی (ره) می گوید: علمای رجال اتفاق دارند که او فاسد المذهب است. ۱۶.

شرح حال: او از اهالی بصره بود و از نویسندگان آل طاهر محسوب می شد ۱۷ و از اصحاب امام هادی (ع) و عسکری (ع) شمرده شده است. ۱۸.

شیوخ قمی فقط در مورد کتاب «نوادر الحکمة» که او نقل کرده است، استثنا قائل شده اند و آن را ضعیف ندانسته اند. ۱۹.

ولی در عین حال، شیخ در استبصار، بعد از ذکر کتاب «نوادر» می گوید: من طبق آن عمل نمی کنم و فتوا نمی دهم، چرا که ضعیف است. ۲۰.

مرحوم آیه الله خویی (ره) می گوید: برخی روایات تحریف قرآن، از کتاب احمد بن محمد السیاری نقل شده است. ۲۱.

ص: 3

تألیفات: این شخص، دارای کتابهای متعددی است که عبارتند از:

۱ - کتاب ثواب القران،

۲ - کتاب الطّب،

۳ - کتاب القرائات،

۴ - کتاب النوادر،

۵ - کتاب الغارات. ۲۲

۳ - احمد بن محمد، أبو عبدالله الخلیلی الآملی (الطبری):

اتهام: دروغگو، جاعل حدیث و فاسد است که مورد التفات نیست. ۲۳.

دلیل: نجاشی در کتاب خود او را جدا ضعیف می داند ۲۴ و ابن غضائری ۲۵ نیز او را دروغگو و جاعل حدیث و فاسد

شمرده است. ۲۶.

تألیفات:

۱ - کتاب «الوصول الى معرفة الأصول».

۲ - کتاب الکشف. ۲۷

۴ - اسحاق بن محمد بن احمد بن ابان (ابویعقوب الأحمر) بن مرار بن عبدالله، يعرف عبدالله عقبه و عقاب بن الحارث النخعی (أخ الأشر):

اتهام: دروغگو، جاعل حدیث و اصلا معدن تخلیط احادیث است ۲۸ و فاسد المذهب نیز بوده است. ۲۹

دلیل: نجاشی در رجال خود او را معدن تخلیط می نامد. ۳۰ علامه نیز در خلاصه، او را معدن تخلیط می خواند ۳۱ و ابن غضائری او را فاسد المذهب و دروغگو و جاعل حدیث می داند و نیز عیاشی خبری در مورد وضع حدیث او نقل می کند. ۳۲

شرح حال و تألیفات: او را رئیس گروه «اسحاقیه» می دانند و صاحب کتابهای متعددی است که عبارتند از:

۱ - کتاب اخبار السید،

۲ - کتاب المجالس،

۳ - کتابهایی در مورد تخلیط. ۳۳

۵ - اسماعیل بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرحمن بن عبدالله بن بدیل بن ورقاء الخزاعی، ابن أخی دعبل، ابوالقاسم:

اتهام: دروغگو، جاعل حدیث، مختلط در حدیث بوده است.

دلیل: نجاشی و شیخ و مامقانی او را مختلط می دانند. ۳۴

ص: 4

ابن غضائری او را دروغگو و جاعل حدیث می داند. ۳۵

و شیخ در رجالش می گوید که او از ائمه (ع) حدیث نقل نمی کند. ۳۶

شرح حال: او پسر برادر دعبل خزاعی بود که در واسط می زیست و سرپرست امور حسبیّه آنجا بود. ۳۷

تألیفات:

۱ - کتاب «تاریخ الأئمة»،

۲ - کتاب النکاح. ۳۸

۶ - الحسن بن العباس بن الحریش الراوی، ابوعلی:

اتهام: ضعیف است و کتابی در مورد فضیلت سوره قدر جعل کرده است. ۳۹

دلیل: نجاشی در «رجال» خود می گوید که جدا ضعیف است و کتابی در مورد «أنا أنزلناه» دارد که مضطرب الالفاظ

است. ۴۰ ابن غضائری نیز این کتاب را فاسد الالفاظ و جعل می داند. ۴۱

تذکر: بر برخی کتب رجالی گفته شده که «حسن بن عباس» از امام جواد (ع) حدیث نقل می کند؛ در حالی که اکثر کتابهای حدیث، گفته اند که از امام باقر (ع) نقل می کند. شیخ نیز در رجال، یک بار او را در اصحاب امام جواد (ع) و یک بار در باب «من لم» ذکر کرده است.

این مطالب می رساند که دو نفر به این اسم وجود دارند؛ هر چند هر دو را ضعیف دانسته اند. ۴۲

تألیفات: کتابی داشته در مورد فضیلت «أنا انزلناه فی لیلة القدر» که گفته شده روایات آن مضطرب است. ۴۳

اما مرحوم کلینی در اول کافی می گوید : روایت و کتابی غیر از کتاب الحسن بن العباس در مورد شأن «سوره قدر» نیست. ۴۴

۷ - الحسن بن علی بن اَبی حمزة البطائنی (سالم البطائنی):

اتهام: کذاب، ملعون و واقفی است. ۴۵

دلیل: رجال نجاشی، او را از بزرگان واقفیه شمرده است. ۴۶

و نیز مرحوم مامقانی از خلاصة الأقوال و کشی نقل کرده اند که دروغگو و ملعون و واقفی است. ۴۷

تألیفات:

۱ - کتاب الفتن (الملاحم)،

۲ - کتاب فضائل القرآن،

۳ - کتاب القائم الصغير،

۴ - کتاب الدلائل،

۵ - کتاب المتعة،

ص: 5

۶ - کتاب الغيبة،

۷ - کتاب الصلاة،

۸ - کتاب الرجعة،

۹ - کتاب فضائل أمير المؤمنين (ع)،

۱۰ - کتاب الفرائض. ۴۸

۸ - الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن بن جعفر بن عبدالله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي أمير المؤمنين (ع)،
ابومحمد، المعروف بابن أخي طاهر:

اتهم: كذاب و جاعل حديث است؛ رواياتی را از افراد مجهول نقل می کرد که مورد انكار (منكره) بود؛ ضعيف است. ۴۹

دليل: علامه مامقانی (ره)، او را مورد تضعيف اصحاب می داند که از افراد مجهول روايات منكره نقل می کند. ۵۰

و نیز نجاشی می گوید که از افراد مجهول، روايات منكره نقل می کند و دیدم که اصحاب ما، او را تضعيف می کردند ۵۱

و ابن غضائری و ابن داود، او را دروغگو و جاعل حديث می دانند و توقف در روايات او را انتخاب می کنند. ۵۲

اما برخی رجالیان، او را موثق می دانند؛ چرا که صدوق (ره) از او نقل حديث کرده و اجازه گرفته است و شيخ مفيد (ره)

نیز در ارشاد، از او روايات بسياری نقل کرده است. ۵۳

او از جدّ خویش (یحی بن الحسن) و غیر از او روايت نقل می کند.

تألیفات:

۱ - کتاب المثالب،

۲ - کتاب الغیبه و ذکر القائم (عج). ۵۴.

۹ - سالم بن ابی حفصه العجلی (م ۳۷۰هـ)، مولی بنی عجل، کوفی یکنی ابی الحسین و ابی یونس، اسمہ زیاد:

اتهام: مورد تکذیب و تکفیر و لعنت امام صادق (ع) قرار گرفته است. ۵۵.

غالی، ضعیف و کذاب است و به امام باقر (ع) دروغ می بست. ۵۶.

دلیل: صاحب الوجیزه او را ضعیف دانسته است ۵۷؛ و علامه مامقانی (ره) نیز او را جزو متهمان به کذب قرار داده است. ۵۸.

صاحب بهجة الآمال نقل کرده که مورد تکذیب و تکفیر و لعنت امام صادق (ع) واقع شده؛ چرا که به امام باقر (ع) دروغ بسته است. ۵۹.

برخی او را شیعه ای غلو کننده دانسته اند ۶۰، ولی این مطلب با روایاتی که در مورد عقاید او نقل شده، سازش ندارد. ۶۱.

تالیفات: دو کتاب داشته است که نجاشی از آنها خبر می دهد ولی نام آنها را نمی گوید. ۶۲.

۱۰ - سلیمان بن عبدالله الدیلمی، ابو محمد (و ابنه محمد بن سلیمان):

ص: 6

اتهام: غالی و کذاب است ۶۳ و به روایات منفرد او (و فرزندش) عمل نمی شود. ۶۴.

دلیل: علامه در «الخلاصة» او را از بزرگان غلات می شمارد ۶۵؛ و به نقل علامه مامقانی (ره) و ابن غضائری، غالی و کذاب است. ۶۶.

در خلاصه، نام او «سلیمان الدیلمی» و در کتاب ابن غضائری، نام او «سلیمان بن زکریا» ذکر شده، اما علامه مامقانی و برخی از رجالیان، آنها را اشاره به افراد متعددی نمی دانند. ۶۷.

شرح حال: او مردی تا جر بود که اسرای دیلمی را به کوفه می برد و اموال تجارتنی را به خراسان حمل می کرد؛ ولی در اصل از «بجيلة الكوفة» بود. ۶۸.

تألیفات:

کتاب یوم و لیلۃ، که پسرش (محمد بن سلیمان) از او نقل می کند. ۶۹.

۱۱ - سلیمان بن عمرو بن عبدالله بن وهب النخعی، أبو داود الکوفی:

اتهام: جاعل حدیث بوده است ۷۰؛ به طوری که محدثین او را «کذاب النخع» لقب داده اند؛ ضعیف است. ۷۱.

دلیل: در «الوجیزة» او را ضعیف شمرده اند. ۷۲.

علامه مامقانی او را به وضع حدیث متهم می داند. ۷۳.

ابن غضائری او را ضعیف و کذاب معرفی می کند. ۷۴.

شرح حال: سلیمان فردی زاهد بود؛ به طوری که شبها را به نماز و روزها را به روزه داری می گذراند . او از امام

صادق(ع) نقل حدیث می کند. ۷۵.

۱۲ - عبدالله بن محمد البلوی (بن عمیر بن محفوظ البلوی، أبو محمد المصری):

اتهام: کذاب و جاعل حدیث بوده است. ۷۶.

دلیل: نجاشی او را ضعیف و ابن غضائری او را دروغگو و جاعل حدیث دانسته است. ۷۷.

علامه مامقانی(ره) او را جزو افراد کذاب و جاعل نام برده است. ۷۸.

شرح حال: او شخصی فقیه و واعظ، از اهالی مصر و از قبیله «بلی» بوده است. ۷۹.

برخی گفته اند که از «بلی بن عمرو بن الجاف بری قضاة» بوده است. ۸۰.

تألیفات:

۱ - کتاب الأبواب،

۲ - کتاب المعرفة،

۳ - کتاب الدین و فرائضه. ۸۰.

۱۳ - علی بن أحمد الكوفي، أبو القاسم:

اتهام: كذاب، صاحب بدعت و غالی بوده است. ۸۲

دلیل: نجاشی او را فاسد المذهب و غالی معرفی می کند. ۸۳

ابن غضائری و صاحب خلاصه الأقوال و علامه مامقانی، او را غالی و صاحب بدعت معرفی کرده اند ۸۴. مرحوم آیه الله خویی، او را کذاب و فاسد المذهب می داند و می گوید برخی روایات تحریف قرآن را او نقل کرده است.

شرح حال: او ادعا می کرده که از «آل ابی طالب» است. در آخر عمرش به غلو دچار شد و مذهب او فاسد گشت و در ناحیه ای به نام «کرمی» در سال ۳۵۲ درگذشت، که آن ناحیه در پنج فرسخی فسا و بیست فرسخی شیراز است. غلات مقام او را بلند می دانند. ۸۵

تألیفات:

۱ - کتابی در موضوع غلو و تخیل ۸۶، ۲ تا ۵۱ - کتابهایی با عناوین: الأنبياء - الأوصياء - ا لبدع المحدثه - التبدیل والتحریر - تحقیق اللسان فی وجوه البیان - الإستشهاد - تحقیق ما آلفه البلخی فی المقالات - منازل النظر و الإختیار - أدب النظر والتحقیق - تناقض أحكام المذاهب الفاسده - الأصول فی تحقیق المقالات - الإبتداء - معرفة وجوه الحكمة - معرفة ترتیب ظواهر الشريعة - التوحيد - مختصر فی فضل التوبة - تثبیت نبوة الأنبياء - مختصر فی الأمة - مختصر فی الأركان الأربعة - الفقه علی ترتیب المزنی - الآداب و مكارم الأخلاق - فساد أقاویل الإسماعيلية - الرد علی أرسطاطاليس - المسائل والجوابات - فساد قول البراهمة - تناقض أقاویل المعتزلة - الرد علی محمد بن بحر الرهنی - الفحص عن مناهج الإعتبار - الإستدلال فی طلب الحق - تثبیت المعجزات - الرد علی من يقول إن المعرفة من قبل الموجود - إبطال مذهب داود بن علی الإصبهانی - الرد علی الزيدية - تحقیق وجوه المعرفة - ما تفرّد به أمير المؤمنين (ع) من الفضائل - الصلاة والتسليم علی النبي وأمير المؤمنين - الرسالة فی تحقیق الدلالة - الرد علی أصحاب الإجتهد فی الأحكام - فی الإمامة - فساد الإختیار - رسالة إلى بعض الرؤساء - الرد علی المثبتة - الراعی والمرعی - الدلائل والمعجزات - ماهية النفس - ميزان العقل - أبان حکم الغيبة - الرد علی الإسماعيلية فی المعاد - تفسير القرآن - کتاب فی النفس.

نجاشی در پایان عناوین تألیفات او می افزاید که اکثر کتابهای او فاسد است. ۸۷

۱۴ - محمد بن بشیر، کوفی (من موالی بنی اُسد):

اتهام: ملعون، غالی و واقفی است؛ به امام کاظم (ع) دروغ می بست. ۸۸.

دلیل: کشتی می گوید که او به امام کاظم (ع) دروغ می بست. ۸۹.

صاحب خلاصه الأَقوال می گوید که او ملعون و غالی است. ۹۰. علامه مامقانی نیز او را ملعون می داند. ۹۱.

امام رضا (ع) او را لعنت و نفرین کرد و نیز امام کاظم (ع) از او تبری جست. ۹۲.

شرح حال: محمد بن بشیر، کسی است که در زمان امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) زندگی می کرده است و پس از فوت امام کاظم (ع) واقفی شد و ادعا کرد که امام هفتم همان قائم است که در بین مردم زندگی می کند و برای اهل نور، با نور ظاهر است. او که شعبده باز بود و کارهای خارق العاده انجام می داد، ادعا کرد که جانشین موسی بن جعفر (ع) است و عده ای پیرو او شدند و برای بعد از وفات، وصیت کرد که فرزندش (سمیع بن محمد) جانشین او باشد. ۹۳.

تالیفات: او دارای کتابی نیز بوده است. ۹۴.

تذکر مهم: دو راوی به نام «محمد بن بشیر» وجود دارد:

الف: محمد بن بشیر کوفی، از اصحاب امام کاظم (ع) که ملعون است و ذکر او گذشت.

ص: 8

ب: محمد بن بشیر کوفی که برادر علی بن بشیر است و هر دو ثقه هستند. نجاشی از آنها نام می برد و می گوید: کتاب نوادر از این شخص ثقه است. ۹۵ و در قم وفات یافت.

نکته قابل ذکر، این است که رجالیان هیچ نشانه روشنی برای تمییز آن دو نفر مشترک، ذکر نکرده اند. ۹۶.

۱۵ - محمد بن علی، أبو سمینة، الصیرفی (بن ابراهیم بن موسی ابوجعفر القرشی):

اتهام: مشهور به دروغگویی بوده است. ۹۷؛ غالی، فاسد الاعتقاد و ضعیف است. ۹۸.

دلیل: نجاشی رجال می گوید که او در کوفه مشهور به روغگویی بوده است و علامه مامقانی، دروغگویی او را نقل می

کند. ۹۹ و آیه الله خویی در معجم الرجال، او را ضعیف می داند. ۱۰۰.

ابن ولید، روایاتی را که «محمد بن احمد بن یحیی» از ابی سمینة نقل می کند، استثنا کرده و ضعیف ندانسته است. ۱۰۱.

نظریه: از ابن ولید، عجیب است که از چنین فرد دروغگو و منحرفی، روایات را قبول می کند

شاید ایشان قرائنی بر صحّت داشته، که البتّه یقین و عقیده اش برای ما حجّت نیست.

شرح حال: او در کوفه مشهور به دروغگویی بود و سپس وارد قم شد و مدّتی مهمان احمد بن محمد بن عیسی بود.

سپس مشهور به غلو شد و مخفی گشت؛ اما احمد بن محمد بن عیسی او را از قم اخراج کرد. ۱۰۲

او را از اصحاب امام رضا(ع) دانسته اند.

تالیفات:

۱ - کتاب الدلائل،

۲ - کتاب الوصایا،

۳ - کتاب العتق،

۴ - کتاب «عمّ یتسائلون»،

۵ - کتاب الآداب. ۱۰۳

۱۶ - محمد بن مقلاص، أبو زینب الأسدی، أبو الخطّاب الأجدع، الزّراد (البزّاز - السّراد - البرّاد)، مولی بنی أسد،

(أبالطّیبات - أبا اسماعیل):

اتّهام: مورد لعنت امام صادق(ع) واقع شده است ۱۰۴؛ ملعون است؛ چرا که به امام صادق(ع) دروغ می بست و چیزهایی

را که نفرموده بود، منتشر می کرد و امام(ع) را می ترسانید. ۱۰۵

دلیل: علامه مامقانی در مقباس ۱۰۶ و صاحب بهجة الآمال و خلاصة الأقوال و غضائری و دیگران نقل کرده اند که او

مورد نفرین و لعنت امام صادق(ع) واقع شده است. ۱۰۷

در این مورد، روایات کنیری نقل شده است و حتی از نزدیکی به او و پیروانش نهی شده است و در توقیعی که صادر شد،

همه ائمه(ع) از ابوالخطّاب برائت جسته اند. ۱۰۸

شرح حال: ابوالخطّاب، فرد احمق و کند ذهنی بود که مطالب و احادیث را حفظ نمی شد، ولذا مطالبی را از خود به آنها اضافه می کرد. او فاسدترین افراد کوفه بود. در مورد نماز مغرب عقیده داشت که تا وقتی ستاره ها در شب ظاهر نشوند، برگزار نشود. پیروان او را خطّابیّه گویند که عقاید عجیبی در مورد نماز و روزه داشته اند. ۱۰۹

۱۷ - محمد بن موسی بن عیسی الهمدانی السّمان، أبو جعفر:

اتهام: غالی، جاعل احادیث و اصول، و ضعیف است. ۱۱۰

دلیل: نجاشی نقل می کند که قمی ها او را به خاطر غلو تضعیف کرده اند و ابن ولید گفته که او جعل حدیث می کرده است. ۱۱۱

مرحوم مامقانی از محمد بن الحسن بن ولید نقل می کند که او دو «اصل» به نامهای «اصل النرسی» و «اصل زید الزرّاد» را جعل کرده است. ۱۱۲

تألیفات:

۱ - کتاب ما روی فی آیام الأسبوع،

۲ - کتاب الردّ علی الغلات. ۱۱۳

۱۸ - محمد بن فرات، الجعفی الکوفی (الجزمی):

اتهام: ضعیف است ۱۱۴؛ ادّعی نبوت داشته و غالی و شارب خمر بوده است. بر امام رضا(ع) دروغ می بست و لذا مورد لعن حضرت قرار گرفت. ۱۱۵

دلیل: کلام نجاشی و ابن غضائری بر تضعیف او و روایات کشی بر مذمت او دلالت دارد. ۱۱۶

کشی نقل می کند که امام رضا(ع) فرمود:

«یا یونس، أما تری إلی محمد بن فرات و ما یکذب علیّ... یا یونس، انما قلت ذلک لیحذر عنه أصحابی و تأمرهم بلعنه والبراءة منه فإنّ الله هو برئ منه». ۱۱۷

تألیفات:

۱ - نجاشی می گوید کتابی داشته است ولی نام آن را نمی برد؛ ۱۱۸

۲ - مطالبی در تفسیر از او نقل شده است، از جمله اینکه از امام باقر (ع) نقل می کند که : سألته عن قول الله عزوجل : «وتقلبك في الساجدين». قال: في أصلاب النبيين. ۱۱۹

۱۹ - المغيرة بن سعيد، رأس المغيرة:

انهام: كذاب بود ۱۲۰ و به امام باقر (ع) دروغ می بست و احادیثی را داخل احادیث حضرت می نمود؛ غالی بود و احادیثی را بر مذهب غلو جعل می کرد.

دلیل: کشی او را کذاب می داند و روایات متعددی از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) نقل می کند که مغیره را نفرین و لعنت می کنند. ۱۲۱

ص: 10

مرحوم مامقانی و آیه الله خویی (ره) نیز او را کذاب و ملعون معرفی می کنند. ۱۲۲. برای مثال، چند روایت را ذکر می کنیم.

کشی با سند خود، از هشام بن حکم نقل می کند:

أنه سمع أبا عبد الله (ع) يقول: لا تقبلوا علينا حديثاً إلا ما وافق القرآن والسنة أو تجدون معه شاهداً من أحاديثنا المتقدمة، فإن المغيرة بن سعيد لعنه الله دس في كتب أصحاب أبي أحاديث لم يحدث بها أبي؛ فاتقوا الله ولا تقبلوا علينا ما خالف قول ربنا تعالى و سنة نبينا محمد (ص) فإننا إذا حدثنا قلنا: قال الله عزوجل وقال رسول الله (ص). ۱۲۳

و نیز:

عن يونس عن هشام بن الحكم، أنه سمع أبا عبد الله (ع) يقول: كان المغيرة بن سعيد يتعمد الكذب على أبي، ويأخذ كتب أصحابه وكان أصحابه المستترون بأصحاب أبي يأخذون الكتب من أصحاب أبي فيدمغونها إلى المغيرة، فكان يدس فيها الكفر والزندقه ويسندها إلى أبي ثم يدفعا إلى أصحابه، فيأمرهم أن يشوها في الشيعة، فكلما كان في كتب أصحاب أبي من الغلو فذاك مما دسه المغيرة بن سعيد في كتبهم. ۱۲۴

همچنین:

عن أبي عبد الله (ع) قال سمعته يقول: لعن الله المغيرة بن سعيد؛ إنه كان يكذب على أبي، فاذقه الله حرّ الحديد؛ لعن الله من قال فينا ما لا نقوله في أنفسنا؛ لعن الله من أزلنا عن العبودية لله الذي خلقنا وإليه مآبنا ومعادنا وبيده نواصينا. ۱۲۵

۲۰ - مفضل بن صالح، أبو جميلة النحاس الأسدی (النحاس):

اتهام: کذاب، جاعل حدیث و ضعیف است. ۱۲۶

دلیل: نجاشی او را تضعیف می کند؛ بلکه تضعیف او را مورد قبول همه اصحاب می داند. ۱۲۷ و نیز ابن غضائری او را کذاب و واضح حدیث می داند. ۱۲۸

البته او از کسانی است که در اسناد کامل الزیارات واقع شده است و برخی مثل «المحقق الوحيد» سعی کرده اند او را توثیق کنند؛ چرا که از بزرگان (اصحاب اجماع) نقل حدیث می کند. ۱۲۹

اما مرحوم خوبی (ره) در معجم الرجال، او را موثق نمی داند. چرا که نقل تضعیف نجاشی، با وقوع او در اسناد کامل الزیارات معارض است. ۱۳۰

ابن غضائری نقل می کند که از مفضل شنیده شده است که گفته: من نامه معاویه به محمد بن ابی بکر را جعل کردم. ۱۳۱
شرح حال: او را از اصحاب امام صادق (ع) شمرده اند و در زمان امام رضا (ع) فوت کرده است. برخی گفته اند: نحاس (نحاس) بوده و برخی او را حداد (آهنگر) دانسته اند. او در موارد زیادی از امام صادق (ع) و امام رضا (ع) روایت نقل می کند. ۱۳۲

۲۱ - یزید الصائغ:

اتهام: دروغگو ۱۳۳، واقفی، و ضعیف است. ۱۳۴

دلیل: کلام کشی که او را از کذاب های مشهور می داند. ۱۳۵

مؤلف الوجیزة او را ضعیف می داند. ۱۳۶

و مرحوم مامقانی او را دروغگو معرفی می کند. ۱۳۷

ص: 11

۲۲ - یونس بن ظبیان الکوفی:

اتهام: دروغگو، ضعیف، مخلط و وضاع (زیاد جعل کننده حدیث) است. ۱۳۸

دلیل: نجاشی او را جدا ضعیف می داند و همه کتابهای او را تخلیط می شمرد. ۱۳۹

ابن غضائری او را غالی و کذاب و جاعل حدیث می داند. ۱۴۰

کشی با سند خود از امام کاظم (ع) نقل می کند که حضرت بر او هزاران بار لعنت فرستاد (لعن يوسف بن ظبيان ألف لعنة يتبعها ألف لعنة). ۱۴۱

تذکر: بعضی روایات از امام صادق (ع) در مورد مدح یونس وارد شده است که یا سند آن ضعیف است و یا حمل بر تقیه می شود و یا اینکه یونس در زمان امام صادق (ع) هنوز غالی نشده بوده است. ۱۴۲

شرح حال: او کسی بود که ادعا می کرد در حال طواف به او ندا می شد که «أني أنا الله لا إله أنا فاعبدني وأقم الصلاة لذكرى...». ۱۴۳

تألیفات: از کلام نجاشی و غیر او استفاده می شود که یونس کتابهایی داشته است ولی آنها را نام نبرده اند. ۱۴۴

۱. المحاسن ۱/۳۵۶/۷۵۶ و بحارالانوار ۱/۱۴۷/۲

۲. ر.ک: علم الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، و اضواء علی السنة المحمّدية، محمود أبوریة، صحبت جعل حدیث و عوامل آن.

۳. در مورد کتاب «سلیم بن قیس الهلالی، ابا صادق»، دو نظریه متفاوت وجود دارد:
الف: این کتاب جعلی است.

این نظریه ابن غضائری و شیخ مفید در تصحیح الاعتقاد است. (ر.ک: معجم رجال الحدیث، آیه الله خویی، ج ۸، ص ۲۱۹)

ب: این کتاب از اصول علمای شیعه است؛ بلکه از مهمترین اصول و قدیمی ترین آنهاست.

این، نظریه مرحوم نعمانی در کتاب «الغیبه» (باب ما روی فی أنّ الائمة اثناعشر إماما) است و حتی فاضل تفرشی در حاشیه «رجال کبیر» گفته است که ابن غضائری اشتباه کرده است؛ و صاحب وسائل نیز در وسائل می گوید: از کتابهای معتمد و ثابت و متواتر است (خاتمة وسائل الشیعة / الفائدة الرابعة).

دلیل جعلی بودن کتاب سلیم:

اول. از لحاظ مضمون قابل قبول نیست؛ چرا که می گوید: «محمد بن ابی بکر، پدرش را در هنگام مرگ موعظه کرد» و «ائمة شیعه سیزده نفر هستند». (ابن غضائری در رجال)

دوم . از لحاظ سند معتبر نیست؛ چرا که این کتاب از غیر طریق «أبان بن أبی عیاش» نقل نشده است و او ضعیف است .
(معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۲۱)

جواب جعلی بودن کتاب سلیم:

مرحوم آیه الله خویی(ره) در رجال خود (ج ۸، ص ۲۲۱) سعی می کند تا به این اشکالات پاسخ دهد، که:

ص: 12

اولاً، نقل مضامین فوق در این کتاب ثابت نشده است و لذا فاضل تفرشی و صاحب وسایل گفته اند در نسخه موجود این کتاب، چنین مطالبی وجود ندارد (وسائل الشیعة / ترجمه سلیم بن قیس) و حتی نسبت اشتباه به ابن غضائری داده اند.

ثانیا، در کتاب کافی، سلیم از غیر طریق «أبان بن أبی عیاش» نیز نقل می کند و نیز کتاب سلیم از طریق «حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الصنعانی» نیز نقل شده است.

نظریه:

می توان گفت که کتاب «سلیم بن قیس»، دو نسخه داشته است:

الف: نسخه ای که به ابن غضائری و شیخ مفید و میرزا در «رجال کبیر» رسیده است و شامل مطالب و مضامین غیر صحیح است.

ب: نسخه ای که به دست مرحوم نعمانی و صاحب وسایل و فاضل تفرشی رسیده است که آن مطالب را ندارد.

و شاید نسخه اول به خاطر جعل «أبان بن ابی عیاش» مورد نقد و نکوهش واقع شده و از گردونه کتب حدیث خارج شده است و آنچه باقی مانده، همان کتاب اصلی بوده که به دست امثال نعمانی رسیده است.

شاهد مطلب آنکه عده ای تصریح می کنند که این مطالب موهوم در آن بوده و عده ای هم صریحا انکار می کنند.

۴ . تلخیص مقباس الهدایة، علاء مه مامقانی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۱ق)، تلخیص استاد علی اکبر غفاری، نشر جامعه امام صادق(ع) ۱۳۶۹، تهران، ص ۲۶۶؛ و نیز: معجم رجال الحدیث، آیه الله سید ابوالقاسم خویی، مرکز نشر آثار شیعه، قم،

ج ۱/۱۴۱

۵ . همان.

۶ . معجم رجال الحدیث، ۲/۲۸۳، به نقل از ابن غضائری.

۷ . تلخیص مقلبس الهدایة ۲۶۶ / و معجم رجال الحدیث، ج ۲/۲۸۲، به نقل از شیخ.

- ۸ . معجم رجال الحديث، ج ۲/۲۸۳، به نقل از ابن غضائری.
- ۹ . همان، ج ۲/۲۸۲، به نقل از شیخ و تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۶/
- ۱۰ . استبصار، باب المتصیّد يجب علیه التمام أو التقصیر، ج ۸۴۶، به نقل از معجم، ج ۲/۲۸۳
- ۱۱ . معجم رجال الحديث، ج ۲/۲۸۳، به نقل از ابن غضائری.
- ۱۲ . رجال نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق)، ۱۴۱۶ ق، چاپ جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ ق، قم، ص ۸۰، شرح حال احمد بن محمد سیاری.
- ۱۳ . رجال شیخ، ج ۲/۲۸۳ - ۲۸۴
- ۱۴ . همان.
- ۱۵ . تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۶/ و معجم، ج ۲/۲۸۲، به نقل از شیخ.
- ۱۶ . البیان فی تفسیر القرآن، السید ابوالقاسم الخوئی، مطبعة الآداب فی النجف الاشرف، ۱۳۸۵ ق - ۱۹۶۶ م، ص ۲۴۵
- ۱۷ . رجال نجاشی /۸۰
- ۱۸ . معجم رجال الحديث، ج ۲/۲۸۳ (به نقل از ابن غضائری).
- ۱۹ . رجال شیخ، به نقل از معجم رجال الحديث، ج ۲/۲۸۳
- ص: 13
- ۲۰ . استبصار، حدیث ۸۴۶، به نقل از معجم رجال الحديث، ج ۲/۲۸۳
- ۲۱ . البیان فی تفسیر القرآن ۲۴۶/۲۴۵
- ۲۲ . معجم رجال الحديث، ج ۲/۲۸۳، به نقل از ابن غضائری.
- ۲۳ . همان، ج ۲/۲۴۴ و تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۶/
- ۲۴ . رجال نجاشی، شرح حال احمد بن محمد ابوعبدالله الآملی /۹۶
- ۲۵ . در مورد ابن غضائری و کتاب او، سخن بسیار است و لذا از آنجا که در انتساب کتاب به او اشکال وجود دارد، ما هر جا که کلام او را نقل می کنیم، به عنوان مؤید - نه دلیل - است. (ر.ک: مقدمه معجم الرجال)

٢٦ . معجم رجال الحديث، ج٢/٢٤٤ و تلخيص مقباس الهداية٢٦٦/

٢٧ . همان.

٢٨ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٦/

٢٩ . معجم رجال الحديث، ج٣/٦٩.

٣٠ . رجال نجاشى٧٣/ - ٧٤

٣١ . خلاصة، علامة، القسم الثانى، الباب ٣ من فصل الهمزة، و معجم رجال الحديث، ج٣/٦٩

٣٢ . معجم رجال الحديث، ج٣/٦٩

٣٣ . همان.

٣٤ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٦/ و رجال نجاشى٣٢/ و معجم رجال الحديث، ج٣/١٥٧ - ١٥٨

٣٥ . معجم رجال الحديث، ج٣/١٥٧ - ١٥٨

٣٦ تا ٣٨ . همان.

٣٩ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٧/

٤٠ . رجال نجاشى٦٠/

٤١ . بهجة الآمال فى شرح زبدة المقال، ج٣/١٣٩

٤٢ . همان.

٤٣ . رجال نجاشى٦٠/

٤٤ . بهجة الآمال، ج٣/١٣٩

٤٥ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٧/

٤٦ . رجال نجاشى٣٦/

٤٧ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٧/

۴۸ . رجال نجاشی ۳۶ /

۴۹ و ۵۰ . تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۷ /

۵۱ . رجال نجاشی ۶۴ /

۵۲ . بهجة الآمال، ج ۳/۲۰۶

۵۳ . همان، از «تعق» نقل می کند. این مطلب، مبتنی بر این اصل است که «مشایخ اجازه، همه ثقه هستند» و یا اینکه «نقل روایت از کسی، دلیل بر توثیق اوست». در حالی که هیچکدام ثابت نشده است؛ بلکه هر دو مبنا باطل است. (ر.ک: مقدمه معجم رجال الحديث)

۵۴ . رجال نجاشی ۶۴ /

۵۵ . تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۸ /

۵۶ و ۵۷ . بهجة الآمال، ج ۴/۳۰۴

۵۸ . تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۸ /

۵۹ و ۶۰ . بهجة الآمال، ج ۴/۳۰۴

۶۱ . همان ۳۰۶ - ۳۰۷

۶۲ . رجال نجاشی ۱۸۸ /

۶۳ . تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۸ /

۶۴ . رجال نجاشی ۱۸۲ /

۶۵ . بهجة الآمال، ج ۴/۴۷۶ - ۴۷۷

۶۶ . تلخیص مقباس الهدایة ۲۶۸ /

۶۷ . بهجة الآمال، ج ۴/۴۷۶ - ۴۷۷

۶۸ و ۶۹ . رجال نجاشی ۱۸۲ /

٧٠ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٧١ و ٧٢ . بهجة الآمال، ج٧/٤ - ٤٨٦

٧٣ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٧٤ . بهجة الآمال، ج٧/٤ - ٤٨٦

٧٥ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٧٦ . همان.

٧٧ . بهجة الآمال، ج٢٧٦/٥

٧٨ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

ص:15

٧٩ . بهجة الآمال، ج٢٧٥/٥، از فهرست ابن نديم نقل می کند.

٨٠ . همان٢٧٦/

٨١ . همان٢٧٥/

٨٢ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٨٣ . رجال نجاشی٢٦٥/ - ٢٦٦

٨٤ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٨٥ . رجال نجاشی٢٦٥/٦

٨٦ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٨٧ . رجال نجاشی٢٦٥/ - ٢٦٦

٨٨ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨/

٨٩ و ٩٠ . بهجة الآمال، ج٣١٥/٦ - ٣١٨

- ٩١ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨ /
- ٩٢ . بهجة الامال، ج٣١٥/٦ - ٣١٨
- ٩٣ و ٩٤ . همان.
- ٩٥ . رجال نجاشى ٣٤٤ /
- ٩٦ . بهجة الآمال، ج٣١٥/٦ و ٣١٩
- ٩٧ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨ /
- ٩٨ . معجم رجال الحديث، ج١٦، شرح حال محمد بن على بن ابراهيم بن موسى.
- ٩٩ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨ /
- ١٠٠ و ١٠١ . معجم رجال الحديث، ج٢٩٧/١٦
- ١٠٢ و ١٠٣ . معجم رجال الحديث، ج٢٩٧/١٦
- ١٠٤ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨ /
- ١٠٥ . بهجة الآمال، ج٤٦٦/٦ - ٦٤٧ و ...
- ١٠٦ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٨ /
- ١٠٧ تا ١٠٩ . بهجة الآمال، ج٤٦٦/٦ - ٦٤٧ و ...
- ١١٠ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٩ /
- ١١١ . رجال نجاشى٣٣٨ /
- ص:16
- ١١٢ . تلخيص مقباس الهداية٢٦٩ /
- ١١٣ . رجال نجاشى٣٣٨ /
- ١١٤ . رجال نجاشى٣٦٣ /

- ١١٥ . بهجة الآمال، ج ٥٥١/٦
- ١١٦ . همان.
- ١١٧ . همان ٥٥٢/
- ١١٨ . رجال نجاشى ٣٦٣/
- ١١٩ . بهجة الآمال ٥٥٢/
- ١٢٠ . تلخيص مقباس الهداية ٢٦٩/
- ١٢١ . معجم رجال الحديث، ج ٢٧٥/١٨
- ١٢٢ . تلخيص مقباس الهداية ٢٦٩/ و معجم رجال الحديث، ج ٢٧٥/١٨
- ١٢٣ . معجم، ج ٢٧٥/١٨
- ١٢٤ و ١٢٥ . همان.
- ١٢٦ . تلخيص مقباس الهداية ٢٦٩/
- ١٢٧ تا ١٣٢ . معجم رجال الحديث، ج ٢٨٧/١٨
- ١٣٣ . تلخيص مقباس الهداية ٢٦٩
- ١٣٤ تا ١٣٦ . بهجة الآمال، ج ٣١٥/٧
- ١٣٧ . تلخيص مقباس الهداية ٢٦٩/
- ١٣٨ . تلخيص مقباس الهداية ٢٦٩/
- ١٣٩ . رجال نجاشى ٤٤٨/
- ١٤٠ . بهجة الآمال ج ٣٥٤/٧
- ١٤١ تا ١٤٣ . همان ٣٥٥/
- ١٤٤ . همان ٥/ - ٣٥٤

منابع:

علوم حدیث ۱۳۷۶ شماره ۳

ص: 17